

نویسنده: آدم وینستاین (Adam Weinstein).
منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیتکرافت «2022-5-20»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

چرا حکومت افغانستان پس از خروج ایالات متحده سقوط کرد؟

*Why the Afghan government collapsed after
the US withdrawal*



مایکل موریس در مراسمی در 29 می 2013 در فرودگاه بین‌المللی کابل، افغانستان، به فارغ‌التحصیلان دوره 50 ساعته نیروهای واکنش سریع خطاب می‌کند. چهارده تن از نیروهای هوایی افغان شرکت نیروی واکنش سریع بال هوایی کابل از کورس مهارت های رزم زمینی فارغ التحصیل شدند. فارغ التحصیلی نشانگر تکمیل آموزش ارتقاء پیشرفته برای جدیدترین اعضای شرکت QRF بود. موریس مشاور نیروهای امنیتی فرماندهی آموزش هوایی ناتو در افغانستان است. (عکس نیروی هوایی ایالات متحده/گروه بان کریس مک آلیر)

اولین جمله از یک گزارش موقت که دیروز در مورد سقوط ارتش افغانستان منتشر شد، نتیجه می‌گیرد که «تنها مهمترین عامل در سقوط [نیروهای دفاع و امنیت ملی افغانستان] در اگست 2021، تصمیم ایالات متحده مبنی بر خروج نیروهای نظامی و قراردادی‌ها آمریکا از افغانستان بود که با امضای توافقنامه بین آمریکا و طالبان در فوریه 2020

صورت گرفت .

رویترز در تیتز خود که این گزارش را پوشش می دهد این جمله را اتخاذ کرده است . اما مطالعه عمیق تر نشان می دهد که **واشنگتن** یک ارتش افغانستان وابسته را با تکیه بر حمایت جنگی بی پایان ایالات متحده ایجاد کرده بود، که به فساد انگیزه داد ، و در نهایت به روایت طالبان به یک دولت دست نشاندۀ در کابل اعتبار بخشید. هیچ مطالعه ای از این گزارش اخیر نمی تواند به طور منطقی به این باور برسد که پیروزی کمی فراتر از افق است .

کنگره دفتر بازرسی کل ویژه برای بازسازی افغانستان یا SIGAR را در سال 2008 برای نظارت بر فعالیت های بازسازی افغانستان ایجاد کرد و اخیراً به آن دستور داد تا ارزیابی کند که چرا ANDSF در تابستان گذشته به این سرعت سقوط کرد. سرمفتش خاص برای بازسازی افغانستان طی سالها درجات تکان دهنده ای از فساد، نظارت، فریب و بی کفایتی در تلاش های جنگی تحت رهبری ایالات متحده در افغانستان را آشکار کرده است. این گزارش هیچ تفاوتی ندارد، جز اینکه به صراحت ایالات متحده را به عنوان محور موفقیت یا شکست دولت قبلی افغانستان توصیف می کند.

دریک «تصویر آینه ای یا بازتابنده» دیده میشود از اینکه قرار بود که ارتش افغانستان شکست بخورد

واشنگتن تلاش کرد تا (نیروهای امنیت ملی افغانستان = ANDSF) را به عنوان یک ساختار نظامی ترکیبی تسلیحاتی «ساخته شده همسان ارتش خود ایالات متحده» به جای یک ارتش سبک پیاده نظام که افغانستان را بتواند به طور مستقل حفظ کند، ایجاد کند. این امر نیاز به مستشاران و پیمانکاران نظامی ایالات متحده بمنظور کمک به ANDSF در مدیریت لجستیک، تعمیرات و بهره برداری از تجهیزات پیچیده بود. ژنرال بازنشسته **دیوید بارنو** به SIGAR گفت: «آن ارتش را ساخته ایم تا با پشتیبانی و همکاری قراردادی های نظامی کار کند. چونکه دون آنها، ارتش نمی تواند کاری کند. بازی به پایان رسید... وقتی پیمانکاران بیرون آمدند، مثل این بود که ما همه چوبها را از **توده جنگا** (یک بازی نوع مهارت های فیزیکی است) بیرون آوردیم و انتظار داشتیم که «نیروهای امنیت ملی افغانستان» سرپا بمانند.



بازی بنام جنگا

تجربه نیروی هوایی افغانستان این پویایی را به خوبی نشان می دهد. پنتاگون در سال 2017، شروع به انتقال «UH-60 Black Hawks» ساخت ایالات متحده به قوایی

هوایی افغانستان کرد، و بعداً ارزیابی شد که اگر قوایی هوایی افغانستان از این نوع هواپیماهای جنگی آنطوریکه از میگ های 17 (MI-17) در دوران شوروی استفاده میکردند استفاده نمایند یا که مهارت پیداکنند، قادر خواهند بود تا آنها را بدون کمک تنها تا دو سال نگهداری کنند. این تصمیم تا حدی ناشی از الحاق کریمه به روسیه و کمبود قطعات یدکی روسیه به دلیل تحریم ها بود. نتیجه آن این است که خود کفایی AAF = «نیروی هوایی افغانستان» بیش از یک دهه تا سال 2030 به عقب رانده شد.

ایالات متحده در طی (20) سال، تقریباً (90) میلیارد دلار برای توسعه ANDSF (نیروهای امنیت ملی افغانستان) سرمایه گذاری کرد که اگر بعنوان یک نقطه مقایسه ای، تخمین زده شود چنین دریافت میشود که واکسیناسیون کل جهان برای COVID-19 «50» میلیارد دلار هزینه را نیاز دارد. با این حال، داستان های موفقیت آمیزی در توسعه ANDSF وجود داشت. واحدهای زبده افغان مانند **کماندوها** از صلاحیت بالایی برخوردار بودند اما مجبور به جبران فقدان یک ارتش منظم و آموزش دیده بودند. دلیل اینکه **واشننگتن** بازدهی کلی از سرمایه گذاری انبوهی که توسط مالیات دهندگان خود بخرش ارتقا و تقویه ANDSF دریافت نکرد، تا حدی به دلیل هزینه هنگفت ساخت ارتش از ابتدا به یک نیروی تسلیحاتی ترکیبی است. این تلاشی بود که به حاشیه سرمایه گذاری به میزان قابل توجهی نیاز داشت که با میلیاردها دلار و چندین دهه استقرار اندازه گیری می شد.

نیروهای امنیت ملی افغانستان فاقد حمایت یا روحیه سپاه بود

فرهنگ «نیروهای امنیت ملی افغانستان» که از نخبگان سیاسی افغانستان سرآزیر شده بود، آلوده به میهن پرستی معاملاتی بود. گزارش موقت توضیح می دهد که چگونه توافق ایالات متحده و طالبان و آغاز عقب نشینی قوت های جنگی آمریکا و ناتو، روحیه نیروهای دفاعی امنیتی دفاع ملی افغانستان را تضعیف کرد. اما می افزاید که «سال ها بود که روحیه ضعیف در (ANDSF) یک مشکل بود. با این حال، طالبان همیشه در زمینه یک مزیت ویا تفوق مورال نسبی داشتند: چونکه نیروهای جنگی طالبان یک ارتش داوطلب بود که برای اعتقادات مذهبی خود می جنگیدند، نه برای دستمزد. به روایت کارشناسان، طالبان در برابر اشغال خارجی، ایدئولوژیکی که عمیقاً ریشه در تاریخ افغانستان دارد و با هویت افغانی گره خورده است، مقاومت می کردند این ارزیابی در کتاب اخیر کارتر ملکاسیان (Carter Malkasian) با عنوان تاریخ «جنگ آمریکا در افغانستان:» نیز انجام شده است.

همچنین {نیروهای امنیت ملی افغانستان} «ایالات متحده را نیرویی می دانست» مبنی بر اینکه چرا دولت افغانستان را تحت کنترل قرار نمیداد از اینکه مأمورین ویا مسولین پرداخت معاشات شان را که مبتلا به فساد بودند از وظیفه سبکدوش نمیکرد چونکه تا تا بستان (2021) بسیاری از نیروهای امنیت ملی افغانستان ماه ها بدون حقوق ماندند که یکی از انگیزه های اصلی آنها این بود که آنها از ادامه مبارزه دلسرده

شدند؛ هنگامی که رهبران سیاسی افغانستان شروع به بررسی طرح B خود کردند، (پلان B در افغانستان: چرا تقسیم عملی بدترین گزینه است؟) سربازان افغان نیز به این موضوع پرداختند. این امر به مذاکره کننده ها و به کمپین تسلیم شدن ها و حملات اجازه داد تا «**اثر دومینو = مجموعه مشاهده شده از برخوردهای واقعی**» ایجاد کند که پیشنهادات طالبان برای عفو و پرداخت را حتی بیشتر «فریب‌کننده تر» کرد. فرماندهان طالبان با بزرگان محلی کار کردند تا روسای پلیس محلی و فرماندهان ارتش را متقاعد کنند که در غیاب حمایت ارتش ایالات متحده یا کابل، تسلیم شوند یا با مرگ حتمی مواجه خواهند شوند.

SIGAR ارزیابی می‌کند که طالبان «بیشتر ولسوالی‌ها و ولایات را از طریق پیروزی نظامی تصرف نکردند. در عوض، مقامات دولتی محلی، بزرگان قبایل و فرماندهان ANDSF درباره تسلیم شدن مذاکره کردند. یکی از وزیران داخله پیشین افغانستان به بازرسان SIGAR گفت: «کسی نمی‌خواست برای **غنی بمیرد**، برای مردمی که برای غارت کشور آمده بودند بمیرد». کسانی که به محض اینکه تشخیص دادند که کابل نیروی حمایت نخواهد فرستاد به ولایات همجوار گریختند.

نیروهای امنیتی ملی و به ویژه پلیس ولایتی نیز به دلیل فساد و سوء استفاده در بسیاری از مناطق کشور فاقد حمایت بودند. تاکتیک‌های پلیس ولایات به عنوان «دستگیری، رشوه و آزادی» توصیف شد. گزارش موقت ادعا می‌کند که این یک معضل کلیدی برای مستشاران ایالات متحده در مأموریت‌های تثبیت و بازسازی ایجاد کرد: آیا همکاری ایالات متحده با نیروهای امنیتی ترسناک، اما از نظر نظامی توانا، در صورت بازگرداندن امنیت به مناطق مورد مناقشه ارزشمند است؟ یا چنین همکاری‌هایی با تضعیف حکمرانی خوب و حاکمیت قانون، در درازمدت تضاد بیشتری ایجاد می‌کند؟» در واقعیت، بیشتر اوقات فرماندهان پلیس در عین حال بی‌رحمانه و ناتوان بودند.

اشرف غنی سیاست شخصی را بر بقای افغانستان قرار داد

غنی از پذیرش واقعیت خروج نظامی ایالات متحده از افغانستان خودداری کرد. این تا حدودی به دلیل توهمات خود او بود، اما توسط افرادی در واشنگتن نیز تقویت شد. یک مقام ارشد وزارت امور خارجه به بازرسان SIGAR گفت که «مقامات دولتی ایالات متحده، از جمله اعضای کنگره که رئیس جمهور **غنی** از طریق کانال‌های غیررسمی با آنها در ارتباط بود، برداشت‌های نادرست رئیس جمهور غنی را تقویت کردند..... و این تصور را به رئیس جمهور **غنی** دادند که دولت ایالات متحده به طور کامل در مورد عقب نشینی کامل قوت‌ها یکسان نیست، و اعلامیه خروج به منظور شکل دادن به آن بود. رفتار او برخلاف سیاست رسمی ایالات متحده است.

«این احساس در میان رهبران دیگر افغانستان نیز وجود داشت که به گفته یکی از مقامات ارشد آمریکایی بر این باور بودند که واشنگتن نمی‌تواند افغانستان را ترک کند، زیرا طالبان نتوانسته‌اند که به توافق آمریکا و طالبان یا بدون اجازه دولت افغانستان.

عمل کنند در این دوره، **غنی** نسبت به آنچه که او به عنوان یک زنجیره فرماندهی دوگانه می‌دید که در آن برخی از با کفایت‌ترین فرماندهان نظامی او بیشتر از خود **غنی** به **واشنگتن** وفادار بودند، دچار پارانوئید شد. جنرال **سامی سادات**، که رهبری نیروهای دفاعی امنیتی افغانستان در پایگاه طالبان در ولایت هلمند را بر عهده داشت، **غنی** را به عنوان یک "رئیس جمهور پارانوئید که از هموطنان خود می‌ترسد" توصیف کرد. یکی از وزیران کشور سابق افغانستان به بازرسان SIGAR گفت که **غنی** نگران است که **واشنگتن** خواهان برکناری وی در پی توافق آمریکا و طالبان است. او که قبلاً به دلیل انتصاب افراد نالایق وفادار بخود شناخته شده بود، او به محاصره و یا احاطه کردن خود از تماس با افراد متعصب شروع بکار کرد تا جایکه حتی بیش از حد معمول به جای دادن پاداش به فرماندهان نظامی شایسته خود به زیان و ضرر رساندن به آنها پرداخت. که او در نهایت امر در (15 اوت 2021) از افغانستان گریخت، حتی تا حدی که برخی از فرماندهان ارشد او آماده ادامه جنگ نیز بودند.

تأثیر مواقتنا مه آمریکا و طالبان

یک نتیجه کلی از گزارش SIGAR این است که جدول زمانی خروج نیروها در سراسر جنگ ایالات متحده در افغانستان غیر واقعی بود و از کره جنوبی به عنوان یک نمونه یا از نقطه نظر مقایسه‌ای حداقل چند دهه برای توسعه یک ارتش مدرن استفاده شد. به عنوان مثال، **سفیر رونالد نویمان** که از منتقدان خروج ایالات متحده شد و یاکه بود، قبلاً پیشنهادات کرده بود که نیروهای آمریکایی می‌توانند از سال **2006** با خروج آغاز و تا سال **2012** کاملاً از افغانستان خارج شوند اما حتی تا سال 2021، نیروهای امنیت ملی افغانستان «ANDSF» سال‌ها، اگر نگوییم ده‌ها سال از هرگونه ظواهر یا کیفیات اعم از خودکفایی؛ تعمیر و نگهداری، پشتیبانی هوایی، تدارکات یا رهبری نظامی فاقد و بی بهره بودند. توافق ایالات متحده و طالبان در نهایت بر خروج ارتش ایالات متحده از افغانستان متمرکز بود. مذاکرات بین‌الافغانی و حل و فصل سیاسی نتیجه نهایی مطلوب اما در بهترین حالت اولویت دوم بود.

بیست سال تمرکز بر افغانستان، دیدگاه نخبگان افغان را در مورد اهمیت کشورشان برای **واشنگتن** تحریف کرد. وعده‌های توخالی ایالات متحده نیز به این پویایی کمک کرد. در آوریل **2021**، جامعه اطلاعاتی ایالات متحده تشخیص داد که "احتمال توافق صلح در یک سال کم است و طالبان از مزیت نظامی برخوردار هستند". این احتمالاً تصمیم پرزیدنت **بایدن** بخاطر ترک افغانستان را که در همان ماه اعلام کرد شکل داد.

یک سوال که همچنان باز است این است که چرا ایالات متحده مذاکره مستقیم با طالبان را به جای صرفاً خروج انتخاب کرد؟ SIGAR گزارش می‌دهد که "رئیس **جمهور غنی** [به مقامات ایالات متحده گفت]، اگر می‌خواهید عقب نشینی کنید، [پس] عقب نشینی کنید" - اما **غنی** از ایالات متحده خواست تا با دولت افغانستان مذاکره کند تا به آن

فرصت جنگ بدهد. در غیر این صورت، رئیس جمهور **غنی** گفت: «مذاکره با طالبان همه چیز را مشروعیت زدایی کرد و طالبان به روایت پیروزی دست یافتند»

نشستن روبه روی میز به طالبان نوعی مشروعیت بین‌المللی داد و دولت افغانستان را ناتوان و تابع واشنگتن جلوه داد. توافق ایالات متحده و طالبان همچنین به طالبان فرصت داد تا دستاوردهای نظامی را تحکیم کنند، در حالی که نیروهای دفاعی امنیت ملی تحت نامشخصی عمل می‌کردند و حتی گاهی از حمله به آنها جلوگیری می‌شد.

با این حال، تصمیم به عقب‌نشینی نیروها بدون نوعی توافق از نظر سیاسی در واشنگتن غیرقابل دفاع بود. ظاهراً خروج بدون گرفتن امتیاز یا تضمین از طالبان احتمالاً خشم بیشتری را در کابل برانگیخت. این ریشه در ناکامی نخبگان در واشنگتن یا کابل در دست و پنجه نرم کردن کامل با واقعیت زمینه‌ای در سراسر افغانستان دارد. استفاده از زبان تعبیر آمیز، خوش بینی بی‌بند و بار و تحریف واقعیت برای پوشاندن امری عادی شد. فساد، خویشاوندی و سوء مدیریت نخبگان افغان با حضور نظامی ایالات متحده و در نتیجه جان ایالات متحده و دلارهای مالیات دهندگان کمک مالی هدر شد.

واشنگتن قادر به درگیر شدن در بحث واقعی این بود که آیا برای چندین دهه بماند و صدها میلیارد بیشتر هزینه کند یا صرفاً عقب‌نشینی کند. در نهایت، امر دومی پیروز شد، زیرا اولی از نظر سیاسی نامحبوب بود و به طور فزاینده‌ای از منافع ایالات متحده که روسای جمهور آمریکا موظف به دفاع از آن هستند، فاصله داشت.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

آدام واینستین گزارشگر امنیت ملی مادر جونز است که پیش از این به عنوان سردبیر مجله خدمت کرده است قبل از آن، او در وال استریت ژورنال، ویلیج ویس و دموکرات تالاهاسی کار می‌کرد. او برای نیویورک تایمز، مجله نیویورک، جی کیو و نیوزویک نوشته است. یک کهنه سرباز نیروی دریایی، قهرمان دو روزه خطر و دانشمند سابق علوم سیاسی، او همچنین به عنوان یک پیمانکار نظامی در عراق دوران رکود اقتصادی را پشت سر گذاشت. او فارغ التحصیل کلمبیا است و دارای مدرک کارشناسی ارشد در امور بین‌الملل و روزنامه نگاری است.

----- **با تقدیم احترامات «2022-05-25»**